

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

دوره ۱۵، شماره ۱ - شماره پیاپی ۵۲، بهار ۱۴۰۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

صص: ۱۳۷-۱۲۱

بررسی تاثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی بر مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان در اجرای طرح های

توسعه پایدار نواحی شهری (مطالعه موردی شاغلین دستگاههای اجرایی شهر اراک)

فاطمه عراقیه فراهانی^۱ مهرداد نوابخش^{۲*} ابراهیم متقی^۳

۱- دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، گروه جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- استاد جامعه شناسی، گروه علوم اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳- استاد علوم سیاسی، گروه آموزشی روابط بین المللی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

مقاله حاضر با هدف ارائه بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان در اجرای طرح های توسعه پایدار نواحی شهری به اجرا درآمد. در این تحقیق توسعه شهری کلانشهر اراک به عنوان مطالعه موردی مورد توجه بوده است. جامعه آماری را شاغلین دستگاه های اجرایی شهر اراک در سال ۱۳۹۸ تشکیل داده است. حجم نمونه به موجب جدول نمونه گیری مورگان ۳۶۱ نفر بوده است که به شیوه ی طبقه بندی سهمیه ای تصادفی گزینش گردید. ابزار جمع آوری داده ها را مصاحبه با خبرگان دانشگاهی و پرسشنامه مجریان دستگاه های اجرایی تشکیل داد. روایی و پایایی پرسشنامه از طریق آزمونهای تحلیل عاملی و کرونباخ تایید گردید، کسب ضریب بالای ۰/۷۰ در هر دو مورد گویای ثبات اندازه گیری آنها بوده است. روش تجزیه و تحلیل داده ها عبارتند از: بهره برداری از شاخص های آمار توصیفی، آزمون های معادلات ساختاری، آزمون سوبل. در این راستا از نرم افزار PLS برای آزمون مدل تحقیق و فرضیه ها استفاده گردید. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که بین عوامل اجتماعی، فرهنگی با میانجیگری عوامل سیاسی، با توسعه پایدار شهری رابطه معنادار وجود دارد. در عین حال عوامل فرهنگی نسبت به عوامل اجتماعی رابطه قویتری بر مشارکت های سیاسی-اجتماعی بر توسعه پایدار شهری دارد.

کلمات کلیدی: عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، توسعه پایدار، مشارکت سیاسی-اجتماعی

مقدمه و بیان مساله

شهروندان، زندگی در شهر و سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به آن را برای آحاد افراد جامعه معنادار کرده، آن‌ها را متقاعد و آماده‌ی مشارکت و سهیم شدن در اداره‌ی شهر می‌کند و حس تعلق به شهر و محله را در آن‌ها تقویت می‌نماید (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۵، ۵۹). به هر حال در شرایطی که اعضای جامعه در زندگی روزمره خود با مسائل و مشکلات بسیار و منابع محدود مواجه هستند، مشارکت، بیشترین سهم و نقش را در رویارویی با مسائل و مشکلات و کاهش آن‌ها دارد؛ زیرا راهبرد مورد نظر در مشارکت مردمی به ویژه در قالب شکل‌گیری انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی در مقیاس‌های محلی و فرا محلی، آزادسازی انرژی آن‌ها و استفاده از پتانسیل‌های محلی به منظور دسترسی به منابع و توان بیشتر برای حل مشکلات فعلی و پیش‌رو است (نوابخش، ۱۳۹۲، ۸). افزون بر این، آگاهی از نیازها و خواسته‌های شهروندان، تمرکززدایی و حرکت به سوی واگذاری امور، اولویت فضاهای فرهنگی- اجتماعی، آموزش فرهنگ شهرنشینی و بهره‌وری بهینه از امکانات و تلاش برای دستیابی به توسعه پایدار شهری که به عنوان اصول کلیدی مدیریت شهری از آن‌ها یاد می‌شود، بدون مشارکت مردم و تحقق حکمروایی شهری امکان‌پذیر نیست (بشیریه، ۱۳۹۷، ۱۰۳). اگرچه در کشور ما، به لحاظ تاریخی، مفهوم مشارکت و معادل‌های بومی آن نظیر تعاون و همیاری سابقه‌ای طولانی در حیات اجتماعی و فرهنگی مردم دارد، برداشت مدرن از مشارکت که مبتنی بر اصالت عمل اجتماعی است نه تنها سابقه چندانی ندارد، بلکه به نظر می‌رسد در عرصه‌های مختلف به‌هیچ وجه در عرصه‌های مختلف نهادینه نشده است. مشارکت در اندیشه و عمل مردم و مسئولان، حداکثر تا سطح یک رفتار بازتابی نه چندان فعال مبتنی بر اهداف ابزار گرایانه که بیشتر در موقعیت‌های ویژه - عمدتاً سیاسی- و در پاسخ به درخواست‌های مشروعیت خواهانه مسئولان، تقلیل یافته است (هرمز، ۱۳۷۶، ۱۱۶). با مطالعه سیر تکاملی جوامع بشری مشاهده می‌شود که پیشرفت و توسعه پایدار هنگامی میسر شده است که انسانها در جریان زندگی خود با یکدیگر مشارکت و همکاری داشته‌اند. شهر به عنوان سیستمی به هم پیوسته از عناصر انسانی و طبیعی، مؤثرترین فضا در ارائه امکانات و خدمات رفاهی و زیستی به اجتماعات انسانی است (فکوهی، ۱۳۸۵، ۱۰۴). توسعه شهری عبارت است از ارتقای سطح زندگی افراد از ابعاد مختلف در جهت دستیابی همه شهروندان به زندگی بهتر است که لازمه تحقق آن، می‌تواند تقویت مشارکت مردمی باشد. مهم‌ترین بخش در توسعه شهری، شهروندان می‌باشند (آرون، ۱۳۹۶، ۱۱۱).

امروزه توسعه پایدار در سطح جهانی به یک گفتمان تبدیل گردیده، تصویب پروتکل‌های بین‌المللی، کشورها را بر آن داشته است تا در اجرای طرح‌های توسعه‌ای خود شاخص‌های توسعه پایدار را لحاظ نمایند. جامعه ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده، مجریان طرح‌های توسعه‌ای در صدد پرداختن به این شاخص‌ها برآمده‌اند. چنین رویکردی مستلزم

جلب توجه مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان اعم از حقیقی و حقوقی می باشد (چنگ و همکاران، ۲۰۱۷، ۱۲۹). می توان گفت که مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم در امور شهر می تواند در ایجاد توسعه متوازن شهری نقش ارزنده ای ایفا نماید. رابطه شهر و شهروندی دوسویه است، انسان ها در طول حیات اجتماعی خود می توانند در توسعه محیط شهری و زیست محیطی خود نقش بسزایی داشته باشند. ضرورت و اهمیت مطالعه ای نظم یافته مبتنی بر مشارکت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به منظور دستیابی به توسعه پایدار شهری بر کسی پوشیده نیست. ولی آن چه مهم است بهره برداری از یافته های کاربردی آن در قلمرو سرزمینی است. قلمروی شهری نیز نیاز جدی به یافته هایی از این دست داشته است (نوابخش و ثابتی، ۱۳۹۴).

ایجاد انگیزه در مردم برای توسعه پایدار امر بسیار حیاتی و پیچیده ای است که مدیران باید بکوشند بر مبنای شناخت بافت اجتماعی جامعه خود، الگوی بومی مناسب و جلب مشارکت ها را به سامان برسانند. افزایش سرمایه اجتماعی و فرهنگی، اعم از اعتماد عمومی، وفاق اجتماعی، وجدان فردی و اجتماعی، ارزیابی رضایت مندی عمومی به صورت سالانه موجب ایجاد تعامل بیشتر مردم با حوزه مدیریت شهری خواهد شد. این که مردم بتوانند بازخورد پرداخت مالیات ها، عوارض و بیمه های پرداختی خود را ببینند، خود بهترین سند برای اقدامات مؤثر بعدی آن ها خواهد بود. مطالعه ای که زمینه های چنین انگیزشی را فراهم و اشاعه دهد در تقویت مشارکت های نهادی مردم ضروری و اثرگذار خواهد بود (نوابخش و فدوی، ۱۳۸۷، ۴۷).

کلان شهر اراک به دلایل صنعتی بودن، گسترش شهری، مهاجرپذیری، حاشیه نشینی، وجود خرده فرهنگ ها، و احراز رتبه نخست نارضایتی عمومی مردم در کشور در سال ۱۳۹۶ از ویژگی های خاصی برخوردار است و مطالعه عوامل اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی - اجتماعی آن اولویت یافته و نتایج حاصل از اجرای این تحقیق می تواند مورد استفاده مجریان طرح های توسعه پایدار در این شهر قرار گیرد. بر این اساس، توجه به میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان و تاثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر آن در شهری نظیر شهر اراک که به دلیل برخورداری از جایگاه اقتصادی و موقعیت خاص استراتژیک در استان مرکزی و کشور، هرچه سریع تر باید به توسعه و استانداردهای شهری دست یابند، امری ضروری است. علاوه بر این، ویژگی های شهر اراک که به دلیل مهاجرپذیر بودن از ترکیب و بافت جمعیتی، فرهنگی، اجتماعی و قومی نامتجانسی برخوردار است، اهمیت مسأله را دوچندان می کند. در همین راستا، مسؤولان شهر اراک بارها به این نکته اشاره و تأکید کرده اند که برای رسیدن به جایگاه مناسب شهر از لحاظ توسعه، باید شهروند محوری را جزء اصول کاری خود قرار داد. با توجه به مطالب بیان شده، در پژوهش حاضر در پی بررسی این پرسش هستیم که عوامل اجتماعی و فرهنگی چه تاثیری بر مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان در اجرای طرح های توسعه پایدار شهر اراک دارند؟

پیشینه و چارچوب نظری

تحقیقات مختلفی در داخل و خارج از کشور در موضوع مقاله انجام شده و نتایج مختلفی را به همراه داشته است. آزاد و دیگران (۱۳۹۸) به این نتیجه رسیدند که رابطه بین هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با مؤلفه‌های توسعه پایدار در سطح پایین تر از متوسط قرار داشته است. در عین حال این مؤلفه‌ها تأثیر قوی و معناداری بر توسعه پایدار شهری داشته است. به موازات این تأثیر رابطه‌های مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی یا مؤلفه‌های توسعه پایدار مثبت ارزیابی شده است.

برزگر و دیگران (۱۳۹۸) نشان دادند بین شاخص‌های پایدار اجتماعی - اقتصادی شهرهای کوچک شمال کشور با سطح استاندارد فاصله وجود دارد. بیشترین پایداری مربوط به مؤلفه‌های ثبات اقتصادی و کیفیت زندگی بوده است. پایداری اجتماعی - اقتصادی خانوارهای شهرهای کوچک شمال ایران در سطح متوسط به پایین تر قرار داشته است. راهبرد ارتقای پایداری اجتماعی - اقتصادی در خانوارهای شهرهای کوچک شمال ایران عبارتند از: افزایش کیفیت زندگی و رفاه اقتصادی.

بدیعی و دیگران (۱۳۹۸). به این نتیجه رسیدند که قوت‌ها و فرصت‌های داخلی توسعه پایدار در سطح قابل قبولی بوده است، در حالی که برای غلبه بر ضعف‌ها و تهدیدهای موجود بهره‌برداری نشده است. به همین دلیل ضعف‌ها بر قوت‌ها غلبه داشته و تهدیدها بر فرصت‌ها غالب بوده‌اند. راهبرد معرفی شده در جهت رفع این نقصان اعمال مدیریت یکپارچه محیط‌زیست و ارزیابی مداوم SWOT در این مدیریت پیشنهاد شده است.

عموزاد خلیلی و دیگران (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیدند، که بیشترین نقش مؤثر در بهبود عملکرد مدیریت بحران مربوط به شاخص رضایت از عملکرد شهرداری و سازمان‌های محلی و مدیریت بحران (۱۷/۳۴) و بسترهای زیرساختی (۱۵/۸۸) است در نهایت اینکه موفقیت یک برنامه تا اندازه زیادی به نقش مردم و نحوه دخالت آن‌ها در برنامه باز می‌گردد و تعیین نیازها، خواسته‌ها و اولویت بندی برنامه‌ای و طرح‌های مدیریت بحران جز با مشارکت مردم میسر نیست.

بهرامی و دیگران (۱۳۹۷) نشان دادند که مشارکت شهروندان در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی گویای این مطلب است که شهروندان از مشارکت بالایی برخوردار نبوده‌اند است. همچنین بین میزان تحصیلات (مهمترین مؤلفه پایگاه اجتماعی) را نشان می‌دهد که این در واقع بیانگر این است که با افزایش سطح تحصیلات، میزان مشارکت شهروندان در طرح‌های عمرانی نیز بیشتر خواهد شد. ارتباط بین میزان تحصیلات شهروندان و میزان مشارکت آن‌ها در مراحل مختلف برنامه‌ریزی طرح‌های عمرانی شهری تا سطح ۹۹٪ معنادار می‌باشد.

نیکخواه و زهراسادات (۱۳۹۶) نشان دادند بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، مسؤلیت پذیری اجتماعی، احساس بی قدرتی، سن، سطح تحصیلات، وضعیت شغل و درآمد با مشارکت اجتماعی شهروندان، رابطه وجود دارد اما بین جنس، وضعیت تأهل و وضعیت بومی بودن با مشارکت اجتماعی شهروندان رابطه ای دیده نمی-شود. همچنین پاسخگویان از نظر ذهنی، دارای آمادگی نسبتاً بالایی بوده اما به لحاظ عینی و عملی، مشارکت بسیار پایینی داشته اند.

امیراحمدی و دیگران (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیدند، سرمایه فرهنگی و به ویژه سرمایه اجتماعی بر مشارکت ساکنان در پروژه های نوسازی تأثیر مثبت داشته است. شاخص تعهد اجتماعی، حس همیاری و انسجام اجتماعی بیشترین تأثیر را بر کنش مشارکتی ساکنین داشته است. علی رغم بالا بودن میزان سرمایه فرهنگی و اجتماعی در بین ساکنان و تأثیر مثبت این سرمایه ها بر کنش مشارکتی، میزان مشارکت ساکنان در پروژه های نوسازی بافت پیرامون حرم رضوی ضعیف می باشد که این امر بیشتر به مسأله اعتماد مرتبط است.

حبیب پور و موسوی خورشیدی (۱۳۹۵) نشان دادند، از بین مجموع چهار متغیر پیش بین اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، آگاهی و مشارکت اجتماعی غیررسمی، تنها دو متغیر آگاهی و مشارکت اجتماعی غیررسمی اثر مستقیمی روی مشارکت سیاسی دارند که در این بین، سهم متغیر آگاهی بیشتر از مشارکت اجتماعی غیررسمی است، اما نتایج تحلیل مسیر نشان داد که تمامی این چهار متغیر توانسته اند به یکی از سه شکل مستقیم، غیرمستقیم و توأمان (هم مستقیم و هم غیرمستقیم) روی مشارکت سیاسی شهروندان قم تأثیر بگذارند که از بین آنها، بیشترین تأثیر به ترتیب مربوط به متغیرهای آگاهی، مشارکت اجتماعی غیررسمی، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی بوده است.

آدامتی (۲۰۱۹) نشان داد که در کشور غنا در نمونه مورد تحقیق زمینه ی تقویت سرمایه اجتماعی وجود داشته است به طوری که موجبات توسعه اجتماعی را فراهم آورد. در نمونه ی تحقیق مشاهده گردید وقتی مشارکت اجتماعی اشاعه یافته است، اخلاق توسعه اجتماعی نیز افزایش یافته است. همچنین در دوره ای که انسجام اجتماعی افزایش یافته، وفاق اجتماعی نیز توسعه یافته است. به عبارت دیگر بین هر یک از مؤلفه های سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی پیوند وجود داشته است. برنامه ریزان شهری از همین یافته ها برای برنامه ریزی توسعه کلان بهره برداری نمودند.

سوکدیو (۲۰۱۸) نشان داد که مشارکت در جامعه ی مدنی علاوه بر این که از کارکردهای سرمایه اجتماعی محسوب می شود، در یک پیوند در هم تنیده با سایر مؤلفه های اعتماد، انسجام و آگاهی اجتماعی رابطه دارد. بنابراین به هر میزان که زمینه های تقویت سرمایه اجتماعی فراهم آمده است، جامعه شاهد انواع توسعه از جمله توسعه اجتماعی نیز بوده است.

گلدن بلوم (۲۰۱۸) نشان می‌دهد، برای کاهش دادن مشکلات اجتماعی، پیدایش شبکه‌های اجتماعی تأثیر بسزایی دارد. در هر جامعه‌ای که زمینه‌های تقویت سرمایه اجتماعی فراهم آمده است، شاهد ارتقای شاخص‌های توسعه اجتماعی بوده‌اند.

کی‌رول و پروسیس (۲۰۱۸) مشاهده کرد ارتباط معنی‌داری بین ابعاد سرمایه اجتماعی و حمایت اجتماعی درک شده وجود دارد. این حمایت از کارآفرینان منطقه‌ای موجب شد تا شرکت‌های کوچک و متوسط به‌عنوان ستون فقرات رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی شناخته شوند. به همین دلیل از آن پس سرمایه اجتماعی به‌عنوان پیش‌ران و راننده‌ی رشد اقتصادی به رسمیت شناخته شد.

ریبون و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مانند انسجام اجتماعی، روابط اجتماعی، حمایت اجتماعی و اعتماد اجتماعی عاملی تعیین‌کننده در توسعه اجتماعی شناخته شدند.

سیناکو و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که توسعه پایدار در نگرش و دیدگاه افراد مورد مطالعه به‌صورت یکپارچه مورد توجه قرار نداشته و بین مفهوم توسعه پایدار در نگرش نخبگان دانشگاهی و توسعه پایدار واقعی زندگی شهروندان تفاوت وجود دارد.

تا کالا (۲۰۱۷) به این نتیجه رسید که توسعه اجتماعی برای دستیابی به توسعه پایدار اجتناب‌ناپذیر است. پیشنهاد مشخص این تحقیق این است که مجریان، تصمیم‌گیران و حتی متخصصان دانشگاهی قبل از هر اقدامی برای توسعه پایدار با ابعاد سه‌گانه‌ی اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی توسعه پایدار مصمم و متحد شوند.

یاماگوشی و همکاران (۲۰۱۷) گزارش داده است وجود سرمایه اجتماعی در جامعه و بهره‌برداری به‌هنگام و بهینه از آن موجبات احیاء توسعه‌ی اجتماعی را در ژاپن فراهم آورد.

گرنبری و تورس (۲۰۱۷) بیان می‌کند انباشت سرمایه اجتماعی در محله‌های شهر پورتوریکو متفاوت بوده است. بین مادران مشغول به کار و مادران خانه‌دار از نظر انباشت سرمایه اجتماعی تفاوت وجود داشته است. این تفاوت به نفع مادران شاغل بوده است. انباشت سرمایه اجتماعی در برجسته کردن انسجام اجتماعی نقش مهمی داشته که خود منشأ مشارکت مدنی بوده است.

دود (۲۰۱۶) به این نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی مزیت‌آفرین بوده، در اجرای مدیریت استراتژیک منابع نامشهود در سازمان حایز اهمیت است. به طوری که می‌تواند موجبات تحقق اهداف سازمانی و تحقق مسئولیت اجتماعی سازمان را فراهم آورند. بنابراین سرمایه اجتماعی در سطح سازمانی نقشی مثبت دارد.

چنگ (۲۰۱۷) نشان داد که برای کسب موفقیت اجرای ۴ حوزه‌ی سرمایه‌گذاری به‌صورت همزمان و تأکید بر کاهش فقر می‌تواند به یک توسعه پایدار نشان داد که برای کسب موفقیت اجرای ۴ حوزه‌ی سرمایه‌گذاری به‌صورت

همزمان و تأکید بر کاهش فقر می تواند به یک توسعه ی پایدار متوازن و قابل اعتماد منجر شود. اجرای نخستین سال این مدل برای دستیابی به چنین توسعه پایدار نویدبخش بوده است.

جولاندز و هارمورث (۲۰۱۶) در مطالعه ای با عنوان «مشارکت گروه های بومی در نظارت بر توسعه پایدار نیوزلند» مطالعه ای کیفی و اسنادی انجام داده است که در آن اقدامات توسعه پایدار نیوزلند در دهه منتهی به سال ۲۰۱۶ اعم از سیاست گذاری های دولتی و مردمی مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق مشاهده گردید مشارکت جوامع بومی در اجرای برنامه های پایداری و نظارت بر آن ها محدود بوده است. در حالی که اقتصاد اکولوژیک در این اقلیم ایجاب می نموده است که پتانسیل های حقیقی و حقوقی در این توسعه پایدار نقش جدی تری داشته باشند. ضرورت پرداختن به این مهم به لحاظ نظری و سیاست های بین المللی و ملی این غفلت را پشتیبانی می نماید. در نتایج تحقیق آمده بود: نظارت بیشتر جوامع بومی برای نظارت بر طرح های توسعه پایدار مزیت آفرین می باشد. هر چه میزان مشارکت بومیان افزایش یابد، پایداری توسعه و دستیابی به اهداف آن تسهیل می یابد.

فریک (۲۰۱۵) به این نتیجه رسید، مشارکت اجتماعی در اخلاق توسعه اجتماعی تأثیر مثبت داشته است. تقویت و تداوم روابط اجتماعی در ارتقای کیفیت زندگی و وفاق اجتماعی که از مؤلفه های توسعه اجتماعی هستند تأثیر مثبت داشته است. بنابراین می توان گفت ابعاد سرمایه اجتماعی مزیت های فراوانی در جامعه داشته، به گونه ای که موجبات انواع توسعه از جمله توسعه اجتماعی گردیده است.

بر اساس مبانی نظری می توان گفت مفهوم مشارکت نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنش گر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به هدف های معین و از پیش تعیین شده می باشد. مشارکت چنان چه در جامعه ای انسانی اشاعه یابد و در بین گروه ها و سازمان ها نهادینه شود، موجب هم افزایی در اهداف توسعه ای و سایر تصمیمات جمعی می گردد. جوهره اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت های اجتماعی و تأثیر پذیری دانست. آن چه که به عنوان مسئولیت اجتماعی از آن یاد می شود، دلالت بر نوعی مشارکت از پیش تعیین شده دارد. اشخاصی که به چنین مسئولیتی متعهد می باشند، در واقع نوعی عمل مشارکتی را برای خود تعریف کرده اند. بمشارکت ابعاد چندگانه ای دارد که از جمله ی آن ها مشارکت اجتماعی و مشارکت سیاسی است. از آن جا که شهروندان به لحاظ حقوق شهروندی خود مانند آزادی بیان، انتخاب کردن، انتخاب شدن، عضویت در گروه ها و احزاب نیازمند مشارکت سیاسی برای تعیین حق سرنوشت خود می باشند، همواره مترصد مشارکت های سیاسی می باشند. حاکمان و دولت مردان چنان چه سازوکارهای لازم از قبیل آزادی احزاب، مطبوعات، تضارب آراء، ایجاد زمینه های مشارکت سیاسی را برای شهروندان فراهم آورند، شاهد مشارکت سیاسی آن ها خواهند بود. مفهوم مشارکت سیاسی - اجتماعی بر دو نوع مشارکتی دلالت دارد که در آن نام برده شده است. در مشارکت اجتماعی عواملی مانند انسجام

اجتماعی، اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی و آگاهی اجتماعی نقش آفرین می‌باشند و در مشارکت سیاسی پارامترهایی چون مشروعیت سیاسی دولت، مقبولیت اجتماعی دولت، تحکیم روابط دولت- ملت، مشارکت دادن سازمان‌های مردم‌نهاد، فعال بودن احزاب و انجمن‌ها، آزادی بیان و انتخابات آزاد و مردم نقش دارد. بر این اساس فرضیه شماره ۱ مطرح شد:

بین عوامل اجتماعی با میانجی‌گری مشارکت سیاسی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار نواحی شهری رابطه وجود دارد.

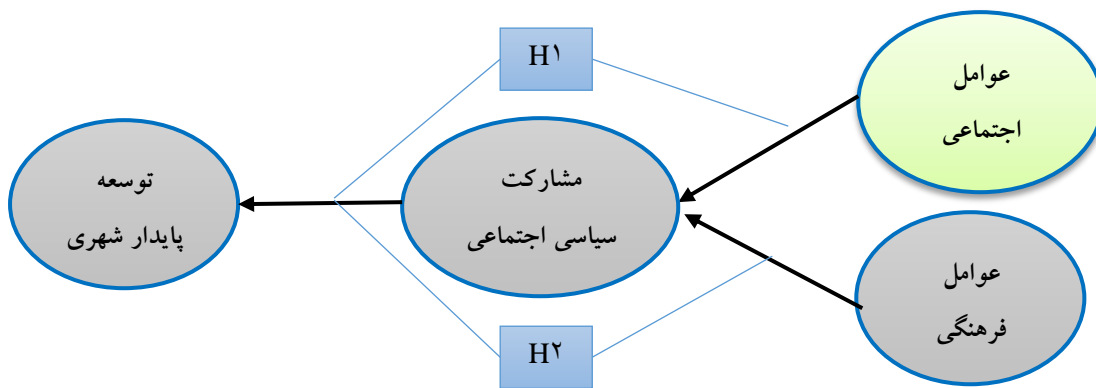
عوامل فرهنگی از دیگر مجموعه عواملی است که می‌تواند مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان را تحت تأثیر قرار دهد. از آن‌جا که مشارکت اقدامی داوطلبانه ناشی از برانگیختگی مردم و ادراک آن‌ها از برنامه‌های مشارکتی دارد، سهمین شدن آن‌ها در انواع مشارکت مرهون عوامل فرهنگی است. این عوامل عبارتند از: آگاهی از سطح مشارکت، رضایت‌مندی اجتماعی، رضایت‌مندی سیاسی، نقش رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی، پایبندی به ارزش‌های دینی و فقدان تعارض فرهنگی. لذا فرضیه شماره ۲ مطرح می‌شود:

بین عوامل فرهنگی با میانجی‌گری مشارکت سیاسی شهروندان در اجرای طرح‌های توسعه پایدار نواحی شهری رابطه وجود دارد.

در مجموع می‌توان گفت عوامل اجتماعی، فرهنگی بر میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان نقش آفرین بوده، به هر دلیل که این عوامل تقویت شده و یا موجب نقش آفرینی در این عرصه قرار گیرند، بر ارتقای مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان نقش آفرین بوده، به هر دلیل که این عوامل تقویت شده و یا موجب نقش آفرینی در این عرصه قرار گیرند، بر ارتقای مشارکت سیاسی - اجتماعی تأثیر می‌گذارند. در منابع موجود مشاهده گردید مشارکت سیاسی - اجتماعی در نقش آفرینی برای تحقق اهداف توسعه پایدار شهری به‌عنوان یک متغیر میانجی بازی می‌کند. اگرچه مجموعه عوامل مستقل مؤثر بر مشارکت‌های سیاسی - اجتماعی وجود دارند که بر میزان آن دخالت دارند، ولی پس از شکل‌گیری شاخص‌های مشارکت سیاسی - اجتماعی در جامعه، به‌عنوان یک مجموعه متغیرهای میانجی در توسعه پایدار شهری تأثیر می‌گذارند. انواع متغیرهای میانجی که در حوزه مشارکت سیاسی - اجتماعی به‌عنوان مهمترین شاخص شناسایی شده‌اند عبارتند از: حضور فعال مردم در انتخابات، حضور فعال مردم در مشارکت‌های اجتماعی، نقش آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد، فعال بودن احزاب سیاسی، فعال بودن رسانه‌های مردمی، مشارکت‌های مردم در مسایل زیست محیطی.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود مفهوم توسعه پایدار شهری که در این تحقیق متغیر وابسته تعریف شده و تأثیرپذیری آن از مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان در شهر اراک تحت مطالعه قرار گرفته است، از چه ماهیت و محتوایی

برخوردار است. بدیهی است که چارچوب نظری تحقیق به طوری که بر مؤلفه های هر یک از این دو مفهوم اشاره رفت، از یک طرف از نظریه ی مشارکت سیاسی- اجتماعی پیروی می کند و از طرف دیگر از نظریه ی توسعه پایدار شهری تأثیرپذیر است. نظریه گسترده ی مؤلفه های مؤثر بر دو مفهوم مشارکت سیاسی- اجتماعی و توسعه پایدار شهری برای جمع آوری داده های پیمایشی می بایست ضمن توجه به دو نظریه ی مذکور، مفاد آن به گونه ای مورد توجه قرار گیرد که ابزار پرسشنامه ای آن تمامی مؤلفه های تعریف شده در این دو نظریه را شامل شود. در شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش نشان داده شده است:



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی محسوب می شود. و به لحاظ روش جمع آوری داده ها آمیخته یا ترکیبی می باشد. از آنجا که در این تحقیق شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی- اجتماعی شهروندان در دستور کار قرار داشته است. در این راستا از روشهای اسنادی و کیفی بهره برداری گردیده و با خبرگان مصاحبه بعمل آمده و از روش کیفی پیروی شده است. آن بخش از تحقیق که رابطه مشارکت سیاسی اجتماعی بر توسعه پایدار شهری را مورد بررسی قرار می دهد. از روش تحقیق کمی و توزیع پرسشنامه بین شهروندان پیروی شده است. در واقع مشارکت سیاسی اجتماعی نقش میانجی را بین عوامل مؤثر بر مشارکت و توسعه پایدار شهری را داشته است. با توجه به این رویکردها روش تحقیق آمیخته بوده است. جامعه آماری در این تحقیق عبارت است از کلیه کارکنان شاغل در دستگاه های دولتی شهر اراک در سال ۱۳۹۹، دارای حداقل مدرک کارشناسی و حداقل سابقه سکونت ۵ سال در اراک و حداقل سن ۲۵ سال. این جمعیت بموجب سالنامه آماری استان مرکزی ۵۱۲۰ نفر بوده است. نظر به گستردگی جامعه آماری و

بموجب جدول نمونه گیری مورگان برای این سطح از جامعه آماری تعداد ۳۶۱ نفر به عنوان نمونه‌ی مورد مطالعه در نظر گرفته شد. به منظور گزینش افراد نمونه از روش سهمیه بندی تصادفی استفاده شده است. در این راستا ابتدا سهم هر یک از دستگاه‌های اجرایی از حجم نمونه مشخص و سپس در هر دستگاه دولتی بین افراد واجد شرایط پاسخگو به پرسشنامه تعداد لازم به تصادف برگزیده شد.

جدول ۱- توزیع فراوانی جامعه و نمونه آماری به تناسب جنسیت

نمونه ۳۶۱				جامعه ۵۱۲۰			
مرد		زن		مرد		زن	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
٪۴۸	۱۷۴	٪۵۲	۱۸۷	٪۴۸	۲۴۵۸	٪۵۲	۲۶۶۲

جدول ۲- جدول توزیع فراوانی پاسخگویان به پرسشنامه تحقیق (نمونه آماری)

تعداد	دستگاه اجرایی	تعداد	دستگاه اجرایی
۴۲	اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲	۸	فرمانداری اراک
۴۶	اداره آموزش و پرورش ناحیه ۱	۲۵	استاندارد مرکزی
۱۰	بانک ملی شعبه اراک	۳۰	اداره کل آموزش و پرورش
۱۰	بانک صادرات شعبه مرکزی	۱۵	اداره کل ارشاد اسلامی
۳۵	دانشگاه جامع اراک	۷	اداره کل صفت معدن تجارت
۳۵	دانشگاه پیام نور	۲۰	دانشگاه صنعتی اراک
۳۵	دانشگاه علوم پزشکی	۱۳	اداره کل تعاون
۱۵	اداره کل مسکن و شهرسازی	۱۵	سازمان حج و زیارت

روش گردآوری داده‌ها میدانی بوده در این راستا اجرای مصاحبه نیمه ساختاریافته و پرسشنامه شهروندان در دستور کار قرار گرفت. در این تحقیق از دو ابزار مصاحبه با خبرگان و پرسشنامه شهروندان شاغل در ادارات دولتی استفاده شده است. ویژگی‌های این ابزارها بدین شرح می‌باشد. به منظور دستیابی به شاخص‌ها و شناسه‌های هر یک از عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان در اجرای طرح‌های عمرانی شهری از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. در این مصاحبه که بصورت نیمه ساختاریافته طراحی گردید تعداد چهار محور در نظر گرفته شد که در آنها عواملی اجتماعی، فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی اجتماعی از خبرگان سؤال شده بود. همچنین در سؤال دیگری الزامات فعال بودن شهروندان در مشارکت سیاسی - اجتماعی سؤال شده بود. این مصاحبه‌ها به صورت

حضور از طریق مراجعه به دانشگاه های شهر اراک انجام گرفت و واجدین شرایط بمدت پنجاه دقیقه بطور میانگین در این مصاحبه مشارکت داشتند. جدول عنوان دانشگاه ها و تاریخ مصاحبه آنها به شرح زیر بوده است.

جدول ۳- مصاحبه با خبرگان دانشگاهی

تاریخ	مکان مراجعه	تعداد مصاحبه شونده	مدت مصاحبه	مصاحبه هر نفر
۹۹/۳/۶	دانشگاه جامع اراک - شریعتی	۴	۱۸۰ دقیقه	۴۵ دقیقه
۹۹/۳/۷	دانشگاه پیام نور	۴	۱۸۰ دقیقه	۴۵ دقیقه
۹۹/۳/۸	دانشگاه آزاد اسلامی	۴	۱۸۰ دقیقه	۴۵ دقیقه
۹۹/۳/۱۰	دانشگاه فرهنگیان اراک شهید باهنر	۴	۱۸۰ دقیقه	۴۵ دقیقه
۹۹/۳/۱۱	دانشگاه جامع اراک - سردشت	۴	۱۸۰ دقیقه	۴۵ دقیقه
۹۹/۳/۱۲	دانشگاه پیام نور	۴	۱۸۰ دقیقه	۴۵ دقیقه
۹۹/۳/۱۳	دانشگاه آزاد اسلامی اراک	۴	۱۸۰ دقیقه	۴۵ دقیقه
۹۹/۳/۱۷	دانشگاه فرهنگیان زینب کبری	۳۲	۱۸۰ دقیقه	۴۵ دقیقه

ابزار پرسشنامه شهروندان

این پرسشنامه در سال ۱۳۹۹ توسط تیم تخصصی در یک مطالعه علمی شامل مطالعات اسنادی و زمینه یابی طراحی گردیده است. مفاد این پرسشنامه مشتمل از مقیاس های عوامل اجتماعی، فرهنگی، مشارکت سیاسی - اجتماعی و توسعه پایدار شهری می باشد. مفاد این پرسشنامه را تعداد ۴۳ گویه تشکیل داده است. به منظور سهولت پاسخگویی به گویه های پرسشنامه از سنجه ی پنجگانه طیف لیکرت پیروی شده است. گزینه های این سنجه عبارتند از: کاملاً موافق (۵)، موافق (۴)، تا حدودی (۳)، مخالف (۲)، کاملاً مخالف (۱). گویه های شماره (۱۲-۱۵-۲۱-۳۲-۴۰-۴۸-۵۶) دارای ارزش معکوس بوده، به هنگام تحلیل داده ها دارای ارزش ۱ تا ۵ بود. نظر به اینکه داده های میدانی جمع آوری شده در این تحقیق متنوع بوده است تجزیه و تحلیل آنها نیز به روش متناسب با ماهیت داده ها صورت گرفته است. داده های پرسشنامه کمیت پذیر بوده ابتدا از شاخص های آمار توصیفی از قبیل فراوانی، میانگین، انحراف معیار واریانس برای تحلیل آنها استفاده شده است. این تحقیق دارای مدل مفهومی بوده و در آن متغیرهای مستقل، میانجی و وابسته مطرح بوده. تعیین رابطه بین متغیرها از طریق آزمون معادلات ساختاری توسط نرم افزار PLS انجام گرفته است. بخش دیگری از داده ها مربوط به مصاحبه با خبرگان بصورت کیفی جمع آوری شده است. تجزیه و تحلیل آنها

از طریق روش کیفی کریپندورف و طی کردن مراحل تحلیل محتوا، شامل واحدبندی داده، گزینش واحد داده، گزارش و تقلیل داده، استنباط، تحلیل و اعتبار بخشی انجام گرفته است.

یافته های توصیفی

یافته های توصیفی بیانگر این است که ۳۲ درصد پاسخگویان تاثیر عوامل اجتماعی بر مشارکت سیاسی-اجتماعی را در سطح کم، ۲/۲ درصد در سطح متوسط، ۴ درصد در سطح زیاد و ۶۱ درصد در سطح بسیار زیاد دانسته اند. ۶۰ درصد پاسخگویان تاثیر عوامل فرهنگی را بر مشارکت سیاسی-اجتماعی در سطح بسیار زیاد دانسته و ۳۰ درصد آنها این تاثیر را در سطح کم اعلام داشته اند. ۴۶ درصد پاسخگویان تاثیر عوامل اقتصادی را بر مشارکت سیاسی-اجتماعی در سطح بسیار زیاد، ۱۹ درصد در سطح زیاد، ۴ درصد در سطح متوسط و ۳۱ درصد در سطح کم اعلام نموده بودند. همچنین ۶۳ درصد پاسخگویان تاثیر عوامل سیاسی مؤثر بر مشارکت سیاسی-اجتماعی را در سطح زیاد، ۳۴ درصد در سطح متوسط و ۸ درصد در سطح کم دانسته بودند. از نظر پاسخگویان میزان توسعه پایدار شهری در اراک قدر مطلق متعادل ۳۹/۷ در دامنه نمرات ۲۲-۵۰ داشته است. از نظر پاسخگویان میزان مشارکت سیاسی-اجتماعی در اراک قدر مطلق معادل ۳۹/۳ در دامنه ۲۲-۵۰ داشته است.

بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق تعداد یک فرضیه اصلی و چهار فرضیه فرعی وجود داشته است. در اعلام نتایج ترتیبی اتخاذ گردید تا ضمن رعایت ترتیب و توالی آن ها نتایج حاصل به استناد مبانی نظری موجود، یافته های آماری تحقیق و نتایج موجود در پیشینه استنتاج گردد و حاصل آن ها در ذیل هر یک از فرضیه ها گزارش شود.

فرضیه اول پژوهش: بین عوامل اجتماعی با میانجی گری مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان در اجرای طرح های توسعه پایدار شهری رابطه وجود دارد.

نتایج بدست آمده با تکیه بر مبانی نظری بحث می شود. اولریش از جمله کنش گرایانی بوده است که هر نوع تصمیم گیری اجتماعی را در ایفای نقش تشکل های مردمی، جنبش های اجتماعی و مشارکت نهادهای مدنی می داند. این نظریه ها نشان می دهند که عوامل اجتماعی نقش بسزایی در مشارکت سیاسی-اجتماعی داشته است که البته پیامد آن را می توان در توسعه اجتماعی رصد نمود. تجزیه و تحلیل داده ها در این فرضیه نشان داد که بین عوامل اجتماعی و مشارکت سیاسی-اجتماعی قدرت مطلق معادل ۰/۸۱۶ وجود داشته است. همچنین بین مشارکت سیاسی-اجتماعی و توسعه پایدار قدر مطلق معادل ۰/۹ وجود داشته است. این رابطه ها در سطح $p < 0/05$ معنی دار بوده، همچنین آزمون

سوبل نشان داد که این رابطه ها با اطمینان ۹۵ درصد معنی دار بوده است. بدین ترتیب می توان گفت بین عوامل اجتماعی با میانجی گری مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان در اجرای طرح های توسعه پایدار شهری رابطه وجود داشته است. بنابراین فرضیه اول تحقیق تایید می گردد.

فرضیه دوم پژوهش: بین عوامل فرهنگی با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان در اجرای طرح های توسعه پایدار شهری رابطه وجود دارد.

اینکلهارت که از پیروان نظریه تلفیق گرا به شمار می رود، بر این باور بوده است که توسعه پایدار زمانی آشکار می شود که در آن جامعه سوگیری های فرهنگی-اجتماعی نیز تظاهر آشکاری داشته باشد. هابر ماس در این زمینه اعتقاد داشته است یکی از حوزه های کارکردی در شکل گیری توسعه پایدار عوامل فرهنگی می باشد. تجزیه و تحلیل داده ها در این فرضیه نشان داد که بین عوامل فرهنگی و مشارکت سیاسی-اجتماعی قدرمطلق معادل ۰/۳۸ وجود داشته است. همچنین بین مشارکت سیاسی-اجتماعی و توسعه پایدار قدر مطلق معادل ۰/۹ وجود داشته است. این رابطه ها در سطح $p < 0/05$ معنی دار بوده، همچنین آزمون سوبل نشان داد که این رابطه ها با اطمینان ۹۵ درصد معنی دار بوده است. بدین ترتیب می توان گفت بین عوامل فرهنگی با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان در اجرای طرح های توسعه پایدار شهری رابطه وجود داشته است. بدین ترتیب فرضیه دوم تحقیق تایید می گردد (جدول شماره ۴).

فرضیه اصلی: مدل مشارکت سیاسی و اجتماعی شهروندان در اجرای توسعه پایدار شهری اثرگذار است. دوتوکویل از جمله اجتماع گرایانی بوده است که می گوید جامعه انسانی تا زمانی که از یک فضای زندگی مشارکتی، جمعی و گروه های اجتماعی بهره مند نباشد، نمی تواند به کارکردهای اجتماعی خود از جمله توسعه امیدوار باشد. فوکویاما بر این باور بوده است که سرمایه اجتماعی نقش تعیین کننده ای در پیدایش مشارکت های سیاسی-اجتماعی داشته، زمینه ساز توسعه پایدار خواهد بود. تجزیه و تحلیل داده ها در راستای آزمون فرضیه اصلی تحقیق نشان داد عوامل مؤثر بر مشارکت با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی بر اجرای توسعه پایدار شهری اثرگذار بوده است. ضریب اثر عوامل اجتماعی با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی بر توسعه پایدار شهری ۳۴ درصد به دست آمد. ضریب اثر عوامل فرهنگی با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی و توسعه پایدار شهری ۳۷ درصد به دست آمد. در مجموع می توان گفت ضریب اثر مجموعه عوامل مؤثر بر توسعه پایدار شهری ضریب اثری معادل ۰/۹۸ داشته است. بدین ترتیب می توان گفت عوامل مؤثر بر مشارکت در اجرای طرح های توسعه پایدار تاثیر مثبت داشته اند بنابراین فرضیه اصلی تحقیق تایید می گردد (جدول شماره ۴).

جدول ۴- اثرات مستقیم و میانجی مدل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی شهروندان در اجرای توسعه پایدار شهری

فرصیات	رابطه	تأثیر مستقیم	تأثیر میانجی	آماره آزمون
فرضیه اول	عوامل اجتماعی ← مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان	۰/۳۴۶	-	۳/۸۰۸
	مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان ← توسعه پایدار شهری	۰/۹۹۰	-	۴۲۲/۴۵۱
	عوامل اجتماعی ← مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان ← توسعه پایدار شهری	-	$0/346 \times 0/990 = 0/342$ (۹۹۰)	۳/۶۵۱
فرضیه دوم	عوامل فرهنگی ← مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان	۰/۳۸۳	-	۳/۱۳۱
	مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان ← توسعه پایدار شهری	۰/۹۹۰	-	۴۲۲/۴۵۱
	عوامل فرهنگی ← مشارکت سیاسی اجتماعی شهروندان ← توسعه پایدار شهری	-	$0/383 \times 0/990 = 0/379$ (۰/۹۹۰ ×	۳/۱۳

جامعه شناسان تلفیق گرا از جمله اینگلهارت، هورکهایمر و هابرماس معتقد بودند سوگیری‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در ارزش‌های فرامدرن مانند کیفیت زندگی و تولید ثروت تعیین کننده بوده، به توسعه پایدار می‌انجامد. تا زمانی که کنش‌وری طبیعی و خردمندانه در جامعه حاکم نباشد، نمی‌توان به توسعه پایدار دست یافت. در این زمینه مشروعیت سیاسی دولت و مقبولیت اجتماعی او در جذب مشارکت‌های مردمی بسیار اثرگذار است. تعمیم این نظریه‌ها به روند توسعه یافتگی در کلانشهر اراک نشان می‌دهد که جهت‌گیری‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در اسناد طرح‌های توسعه پایدار شهری به ندرت مورد توجه بوده است. کنش‌وری طبیعی و خردمندانه برای دستیابی به شاخص‌های اهداف توسعه پایدار شهری کمتر به صورت نظم یافته و آشکار و شفاف مدنظر قرار داشته است. علاوه بر آن مقبولیت اجتماعی تصمیم‌گیران دولتی نیز جای تردید داشته است.

جامعه شناسان تضاد گرا مانند مارکس، گالبرایت، روزنبرگ معتقد بوده‌اند که در جامعه همواره رقابت بر سر منابع کمیاب وجود دارد. در زندگی اجتماعی لزوم توسعه ثروت و قدرت از ضروریات توسعه است در حالی که در جهان صنعتی گرایش سودانگاری مانع از پیدایش کیفیت زندگی شده است. اساس مشارکت اجتماعی منشاء فردی دارد. در این راستا تضاد میان ارزش‌های درونی و بیرونی مانع از توسعه است. تعمیم این نظریه‌ها به آنچه که در توسعه شهری کلانشهر اراک مشاهده شده است نشان می‌دهد که در اجرای طرح‌های توسعه‌ای تضاد منافع وجود داشته است. در مدیران صنعتی این شهر نگاه سودانگاری وجود داشته است. در اجرای طرح‌های توسعه شهری به اصل مشارکت جمعی و اجتماعی شهروندان، گروه‌ها و نهادها توجه کافی نشده است. آن‌چنان که نمادهای توسعه در زوایای آشکار و نهان این شهر غیر اصولی و غیر منسجم بوده است.

در مجموع می توان گفت جامعه شناسان همواره به مفاهیم عوامل مؤثر بر مشارکت، مفهوم مشارکت سیاسی-اجتماعی و توسعه پایدار نگاهی تعمیق یافته داشته، کارکردهای آن را در یک چشم انداز بلندمدت ترسیم نموده اند ولی مجریان طرح ها در کلانشهر اراک چنین نگاهی نداشته به همین دلیل چهره کنونی شهر نمایانگر شاخص های توسعه آن گونه که باید و شاید نبوده است.

بر اساس نتایج بدست آمده پیشنهادهای زیر ارائه می شود:

۱. در این تحقیق مشاهده گردید بین عوامل اجتماعی با اجرای طرح های توسعه پایدار با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی رابطه وجود داشته است. از آن جا که عوامل اجتماعی را انسجام، اعتماد، مشارکت و روابط اجتماعی تشکیل می دهد، به مسئولین اجرایی دستگاه های دولتی پیشنهاد می شود در برنامه های اجرایی و عملیاتی خود به تقویت اعتماد عمومی مبادرت نموده، همچنین در برقراری روابط سازنده با شهروندان اهتمام داشته باشند تا شاهد انسجام و مشارکت آن ها باشند. بدیهی است که تقویت این عوامل اجرای طرح های توسعه پایدار را تسهیل خواهد نمود.

۲. در این تحقیق مشاهده گردید بین عوامل فرهنگی و اجرای طرح های توسعه پایدار شهری با میانجیگری مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان رابطه وجود داشته است. نظر به اینکه عوامل فرهنگی شامل آگاهی از سطح مشارکت، رضایتمندی سیاسی و اجتماعی، فعالیت سازنده شبکه های اجتماعی، پای بندی به ارزش ها می باشد، به مدیران، کارشناسان فعال در عرصه های اجتماعی و فرهنگی پیشنهاد می شود در تقویت هر یک از عوامل فرهنگی اهتمام داشته باشند تا شاهد مشارکت سیاسی-اجتماعی شهروندان بوده، این امر تسهیل کننده اجرای طرح های توسعه پایدار شهری خواهد بود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آرون، ریمون. (۱۳۹۶). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی: متن کامل و بازبینی شده*. (باقر پرهام، مترجم). علمی و فرهنگی.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۱). *نظریه های جامعه شناسی (ویرایش چاپ دوم)*. سروش.
- آزاد، محرم؛ رحمانی فیروزجاه، علی؛ و عباسی اسفجیر، علی اصغر. (۱۳۹۸). *بررسی ارتباط سرمایه ی اجتماعی با توسعه ی پایدار شهری (مطالعه ی موردی: استان مازندران)*. *مطالعات جامعه شناختی شهری، نهم (۳۰)*.
- ازکیا، مصطفی؛ و غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۵). *جامعه شناسی توسعه*. کیهان. (نشر اثر اصلی ۱۳۸۴)

- امیراحمدی، رحمت اله؛ نوابخش، مهرداد؛ و زنجانی، حبیب الله. (۱۳۹۵). بررسی نقش سرمایه فرهنگی - اجتماعی بر مشارکت شهروندان در نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: شهر مشهد). پژوهش های جامعه شناسی معاصر (علمی - پژوهشی)، ۵(۸)، ۱۲۳-۱۴۳.
- بدیعی، لیلیا؛ عزت پناه، بختیار؛ و سلطانی، علیرضا. (۱۳۹۸). تبیین و تحلیل توسعه پایدار شهری با تأکید بر مؤلفه‌های محیطی (مطالعه موردی: شهر سنندج). دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ۳۶(۳۶)، ۷۵-۸۶.
- برزگر، صادق؛ بخشی، امیر؛ و حیدری، محمدتقی. (۱۳۹۸). تبیین پایداری اجتماعی - اقتصادی در شهرهای کوچک با رویکرد توسعه پایدار (نمونه: شهرهای کوچک شمال ایران). مجلس و راهبرد، بیست (۹۷).
- بشیریه، حسین. (۱۳۹۷). جامعه شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی. نشر نی.
- حبیب پور، کرم؛ و موسوی خورشیدی، حمیدرضا. (۱۳۹۵). رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهروندان قم). فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۶(۶۲)، ۳۵۹-۳۹۱.
- عموزاد خلیلی، سجاد؛ رشیدی، احمد؛ و پیردشتی، حسین. (۱۳۹۷). بررسی نقش مشارکت مردمی در بهبود عملکرد مدیریت بحران فضای شهری و عوامل مؤثر بر آن از منظر نظریه مشارکت اجتماعی راجرز در شهر بهشهر. فصلنامه علمی - ترویجی دانش پیشگیری و مدیریت بحران، ۸(۳)، ۲۵۵-۲۶۸.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۵). انسان شناسی شهری (ویرایش سوم). نی.
- نوابخش، مهرداد. (۱۳۹۲). ضرورت احیاء سرمایه اجتماعی در توسعه فضاهای شهری. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۵(۴)، ۷-۱۸.
- نوابخش، مهرداد. (۱۳۹۸). نظریه‌های بنیانی در سرمایه انسانی با نگرش بر علوم اجتماعی و علوم مدیریت. جامعه پژوهان برنا.
- نوابخش، مهرداد؛ و ثابتی، مریم. (۱۳۹۴). طراحی و ارائه الگو جهت سنجش تاثیر سرمایه فرهنگی بر ابعاد توسعه پایدار شهری با تأکید بر انرژی های پاک. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۸(۱) (مسلسل ۲۹)، ۳۷-۵۰.
- نوابخش، مهرداد؛ و فدوی، جمیله. (۱۳۸۷). بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری مطالعه موردی منطقه ۵ شهر تهران. پژوهشنامه علوم اجتماعی آزادگرمسار، دوم (۱).
- نیکخواه، هدایت الله؛ و زهراسادات، احمدی بجزستانی. (۱۳۹۶). «بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر بندرعباس». مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی، ۶(۱)، ۱۵۹-۱۸۴.
- هرمز، مهرداد. (۱۳۷۶). زمینه های جامعه شناسی سیاسی: جامعه پذیری سیاسی. پازنگ. بازیابی از کتابخانه شیخ هادی نجم آبادی (کتابخانه های سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران).

(ب) منابع لاتین

- Adamtey, Ronald; & Frimpong, Josephine. (۲۰۱۸). Social capital as the missing link in community development planning process in Africa: lessons from Ghana. *Ghana Journal of Development Studies*, ۱۵(۱), ۹۲-۱۱۵. <https://doi.org/10.4۳۱۴/gjds.v1۵i1.۵>
- Cheng, Xin; Shuai, Chuanmin; Wang, Jing; Li, Wenjing; Shuai, Jing; & Liu, Yue. (۲۰۱۷). Building a sustainable development model for China's poverty-stricken reservoir regions based

- on system dynamics. *Journal of Cleaner Production*, 176(50), 535-554.
<https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2017.12.068>
- Cīrule, Iveta; & Prusis, Janis. (2018). Social capital and social support – perception by start-ups in Riga city (pp. 49-56). Presented at the Economic for rural development.
<https://doi.org/10.22616/ESRD.2018.005>
 - Dodd, Melissa. (2016). Intangible resource management: social capital theory development for public relations. *Journal of Communication Management*, 20(4). <https://doi.org/10.1108/JCOM-12-2015-0095>
 - Frick, Jens Eklinder; Eriksson, Lars Torsten; & Hallen, Manuel. (2015). Social Capital, Individuality and Identity. *Conference University of Douthern Denmark*.
 - Gelderblom, Derik. (2018). The limits to bridging social capital: Power, social context and the theory of Robert Putnam. *Sages Journal*, 6(6), 1309-1324.
 - Granberry, Phillip; & Torres, Maria. (2017). Social Capital Accumulation among Puerto Rican Mothers in Urban Neighborhoods. *Societies*, 7(1), 3. <https://doi.org/10.3390/soc701003>
 - Jollands, Nigel; & Harmsworth, Garth. (2017). Participation of indigenous groups in sustainable development monitoring: Rationale and examples from New Zealand. *Ecological Economics*, 62(3), 716-726. <https://doi.org/10.1016/j.ecolecon.2006.09.010>
 - Lan, S. L.; & Zhong, Ray Y. (2018). Coordinated development between metropolitan economy and logistics for sustainability. *Resources, Conservation and Recycling*, 128, 345-354. <https://doi.org/10.1016/j.resconrec.2016.08.017>
 - Liu, Baodong; Wei, Yehua; & Simon, Christopher. (2017). Social Capital, Race, and Income Inequality in the United States. *Sustainability*, 9(3), 248. <https://doi.org/10.3390/su9020248>
 - Rippon, Sarah; Beattie, Tara K.; Lungu, Kingsley; Kumwenda, Save; & Morse, Tracy. (2018). Social capital insights from Healthy Settings needs assessment in Malawi. *PLOS ONE*, 13(10), e0206156. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0206156>
 - Sinakou, Eleni; Boeve-de Pauw, Jelle; Goossens, Maarten; & Van Petegem, Peter. (2018). Academics in the field of Education for Sustainable Development: Their conceptions of sustainable development. *Journal of Cleaner Production*, 184, 321-332. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2018.02.279>
 - Sukhdev, Pavan. (2018). Social Capital-Definition, Characteristics and Evaluation Framework. *GIST Advisory Private Ltd. www.gistadvisory.com*.
 - Yamaguchi, Ayano; Kim, Min-Sun; Oshio, Atsushi; & Akutsu, Satoshi. (2017). Influences of Social Capital on Natural Disaster Research in Japan, 10(3), 46-54. <https://doi.org/10.5539/jsd.v10.n3p46>